

بررسی شیوع آلودگی به شپش سر و عوامل خطر مرتبط با آن در دانش‌آموزان دبستان‌های

دخترا نه شهر جوانرود

اعظم گراوندی^۱، غزال جمشیدی^۲، فاطمه عبدالهی^۳، شیدا سپاهی^۴، مهوش گراوندی^۵

۱. کارشناس ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، کارشناس آموزش بهداشت و ارتقای سلامت معاونت امور بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمانشاه، ایران
۲. کارشناس آموزش و ارتقای سلامت، جوانرود، کرمانشاه، ایران
۳. کارشناس بهداشت عمومی جوانرود، کرمانشاه، ایران
۴. کارشناس ارشد آموزش پزشکی، کارشناس آموزش بهداشت و ارتقای سلامت معاونت امور بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمانشاه، ایران
۵. مدیر دبستان سعدی، سازمان آموزش و پرورش استان کرمانشاه، ایران

افلاک/سال هشتم/ شماره ۲۸ و ۲۹/ پاییز و زمستان ۱۳۹۴

چکیده

مقدمه: آلودگی به شپش یک مسأله اجتماعی و گریبانگیر بسیاری از جوامع بشری می‌باشد و از جمله معضلات بهداشتی است که در مدارس شایع است. این مطالعه با هدف تعیین شیوع ابتلا به شپش سر و عوامل مرتبط با آن، در میان دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهرستان جوانرود در سال ۱۳۹۰ انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: این تحقیق یک مطالعه مقطعی -توصیفی بود. جامعه مورد مطالعه کلیه مدارس ابتدایی دخترانه شهر جوانرود، و جمعیت نمونه شامل ۸۶۵ دانش‌آموز مشغول به تحصیل می‌باشد. نواحی مختلف شهر، بر اساس موقعیت (شمال-جنوب) به عنوان طبقات تقسیم و از هر طبقه ۲ مدرسه به تصادف انتخاب گردید. انتخاب مدارس، کلاس‌ها و افراد نیز به روش تصادفی انجام شده است. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از معاینه سر و پر کردن چک لیست جهت دانش‌آموزان صورت پذیرفت. داده‌های بدست آمده با استفاده از آزمون کای اسکور تجزیه و تحلیل شد

یافته‌ها: از میان دانش‌آموزان مورد مطالعه، ۷۲ نفر (۸/۳ درصد) آلوده به شپش سر بودند. بین میزان آلودگی به پدیکلوز و تحصیلات مادر ($P= ۰/۰۰۶$) و پدر ($P= ۰/۰۰۱$) ارتباط معنی دار وجود داشت همچنین، ارتباط معنی داری بین میزان آلودگی به پدیکلوزیس و شغل پدر دیده شد ($P= ۰/۰۰۶$) بین میزان آلودگی به پدیکلوزیس و دفعات استحمام دانش‌آموز ارتباط معنی داری وجود داشت ($P= ۰/۰۲۲$).

نتیجه‌گیری: شیوع بیماری در بین دانش‌آموزان اکثر مدارس مورد بررسی با عواملی مثل، دفعات استحمام، تحصیلات والدین، شغل پدر، موقعیت مدرسه، عدم توجه کافی به رعایت بهداشت فردی و سایر عوامل مرتبط بود.

واژه‌های کلیدی: شپش سر، عوامل خطر، دانش‌آموزان مقطع ابتدایی

آدرس مکاتبه: کرمانشاه، میدان رفیعیه، معاونت امور بهداشتی
پست الکترونیک: geravandi_a88@yahoo.com

مقدمه

بهداشت و سلامت عمومی هر جامعه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به طوری که پیشرفت آن جامعه در گرو سلامت عمومی افراد آن است. از جمله موارد تهدید کننده سلامت جامعه، آلودگی به انگل‌های خارجی می‌باشد که علیرغم ارتقاء سطح بهداشت و پیشرفت علوم پزشکی، هنوز هم به عنوان یک معضل بهداشتی مطرح هستند (۱).

شپش سر انتشار جهانی داشته ولی غالباً در مناطق معتدله یافت می‌شود و آزار و اذیت حاصل از آن با مشکلات ناشی از پشه‌ها در مناطق گرمسیر دنیا قابل مقایسه می‌باشد (۲). رشد جمعیت و بهداشت ضعیف از عوامل تشدید کننده این آلودگی می‌باشد (۳،۴). شیوع آلودگی شپش سر در کودکان مدارس ابتدایی کشورهای توسعه یافته ۲ تا ۱۰ درصد تخمین زده می‌شود (۵). هر ساله ۶ تا ۱۲ میلیون نفر در آمریکا به شپش آلوده می‌شوند که هزینه‌های درمان و کنترل آن به ۳۶۷ میلیون دلار می‌رسد (۶). مطالعه کورتاید^۱ و همکاران (۱۹۹۳) در چهار مدرسه در کشور فرانسه نشان داد که ۱۷ درصد دانش آموزان، آلوده به شپش سر بوده‌اند (۷). آلودگی به شپش سر در تمام نقاط دنیا از جمله ایران به خصوص در اماکن با تراکم بالا و توام با فقر و عدم رعایت اصول بهداشت فردی مشاهده می‌شود. این آلودگی بخصوص در روستاها و به ویژه در بین کودکان از آلودگی‌های نسبتاً شایع محسوب می‌شود (۸). شیوع آلودگی به شپش سر در مناطق مختلف کشور از ۶ تا ۳۰ درصد گزارش شده است (۹). در مطالعه‌ای که حجتی و همکاران بر روی دانش آموزان شهر تبریز انجام دادند میزان شیوع ابتلا به شپش سر ۳/۶۴ درصد بوده است (۱۰). در مطالعه مدرسی و همکاران (۱۳۹۲) شیوع آلودگی به شپش سر در دانش آموزان مدارس ابتدایی شهرستان تنکابن ۵/۷۴ درصد بود میزان آلودگی در دختران ۸/۸٪ و در پسران ۲/۵٪ بود (۱۱).

در مطالعه نوری و همکاران (۲۰۱۳) در بین دانش آموزان مدارس ابتدایی دخترانه مناطق روستایی استان قم، ۱۲۰ نفر

(۱۳/۳٪) آلوده به شپش سر تشخیص داده شدند (۱۲). اطلاعات سال ۱۳۸۵ که توسط دفتر سلامت جمعیت و خانواده، مدارس که با استفاده از فرم نتایج ارزیابی‌های غربالگری و معاینات پزشکی دانش آموزان تحت پوشش خدمات سلامت جمع آوری شده، حاکی از نسبت بالای آلودگی در گروه سنی ۶ تا ۱۰ سال در جمعیت تحت پوشش اغلب دانشگاه‌های کشور است (۱۳). شیوع بیماری در دانش آموزان سنین ۶ تا ۱۱ ساله بیشتر است (۱۴). انجام مطالعات اپیدمیولوژیک نه تنها موجب مشخص شدن وضعیت آلودگی و تعیین ارتباط آن با عوامل محیطی می‌شود، بلکه موجب تعیین بهترین و اصولی‌ترین روش مبارزه و کنترل آنها می‌گردد. با توجه به شیوع پدیکولوزیس در شهر جوارنود، خصوصاً در دانش آموزان دختر، و اهمیت بیماری و پیامدهای بهداشتی آن این مطالعه با هدف تعیین شیوع این بیماری در سطح مدارس و عوامل خطر مرتبط با آن انجام شد. و با توجه به اینکه مدارس ابتدایی خصوصاً مدارس دخترانه عمدتاً بیشترین بالای آلودگی را از سایر مقاطع تحصیلی دارند در بررسی شیوع این مقطع مورد مطالعه قرار گرفت.

مواد و روش‌ها

این تحقیق یک مطالعه مقطعی-توصیفی بوده و جامعه مورد مطالعه مدارس ابتدایی دخترانه شهر جوارنود انتخاب گردید. نحوه انجام مطالعه به این شرح بود که ابتدا با استفاده از فرمول

$$N = \frac{NpqZ^2}{d^2(N-1) + Z^2Pq} = 865 \quad P=6, \quad q=94, \quad d=1/5$$

$$Z=2$$

حجم نمونه تعیین و نواحی مختلف شهر بر اساس موقعیت شهری (بالای شهر - جنوب شهر) تقسیم و به عنوان طبقات در نظر گرفته شد. سپس از هر طبقه ۲ مدرسه بصورت تصادفی انتخاب گردید و ۸۶۵ دانش آموز از مدارس ابتدایی مورد مطالعه قرار گرفتند. انتخاب مدارس، کلاس‌ها و افراد نیز به روش

ترتیب ۳۸ نفر (۴/۴٪)، ۳۳ نفر (۳/۸٪)، ۱ نفر (۰/۱٪) از دانش آموزان، آلودگی داشتند ($p=0/006$). بر اساس جدول شماره یک میزان آلودگی به شپش سر بر حسب شغل پدر نیز تفاوت معنی داری نشان داد ($p=0/006$).

جدول شماره ۱: میزان آلودگی به شپش سر در دانش آموزان دختر مدارس ابتدایی بر حسب شغل پدر

شغل پدر	دارد		ندارد		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کارمند	۵	۰/۶	۱۸۲	۲۱	۱۸۷	۲۱/۶
بیکار	۸	۰/۹	۸۸	۱۰/۲	۹۶	۱۱/۱
کار آزاد	۵۹	۶/۸	۵۲۳	۶۰/۵	۵۸۲	۶۷/۳
جمع کل	۷۲	۸/۳	۷۹۳	۹۱/۷	۸۶۵	۱۰۰

همچنین ۷۸۹ نفر (۹۱/۲٪) از مادران، خانه دار و ۲۶ نفر (۳/۱٪) کارمند و ۵۰ نفر (۵/۸٪) دارای مشاغل دیگر بودند که به ترتیب ۶۶ نفر (۷/۶٪)، ۱ نفر (۰/۱٪) و ۵ نفر (۰/۶٪) از فرزندان ایشان، مبتلا بودند و بین آلودگی به شپش سر و شغل مادر، ارتباط معنی داری بدست نیامد ($p=0/678$).

در این پژوهش، ۳۶۸ نفر (۴۲/۵٪) در مدارس دارای مربی بهداشت بودند و ۵۸ نفر (۶/۷٪) از ۴۹۷ دانش آموز مدارس فاقد مربی بهداشت، مبتلا به شپش سر بودند، در نتیجه وجود مربی بهداشت تاثیر معناداری بر کاهش شیوع آلودگی به شپش سر نداشته است ($p=0/178$).

۷۵ نفر از دانش آموزان بررسی شده، در خانواده‌های با جمعیت ۳ نفر، ۱۸ نفر در خانواده ۴ نفر و ۵۵۳ نفر نیز در خانواده‌هایی با جمعیت بالاتر از ۴ نفر زندگی می‌کردند که به ترتیب ۵ نفر (۰/۶٪)، ۱۸ نفر (۲/۱٪) و ۴۹ نفر (۵/۷٪) از ایشان مبتلا بودند. بین آلودگی به شپش سر و تعداد اعضای خانواده هم ارتباط معنی داری بدست نیامد ($p=0/725$).

همانطور که در جدول شماره ۲ نیز نشان داده شده، از ۳۹۰ دانش آموز مورد بررسی در منطقه بالای شهر و ۴۷۵ دانش آموز در مدارس پایین شهر به ترتیب ۱۸ نفر (۲/۱٪) و ۵۴ نفر

تصادفی انجام شده است. پس از کسب مجوز و ذکر محرمانه بودن اطلاعات مربوط به مدارس و دانش آموزان، با هماهنگی واحد بهداشت مدارس مرکز بهداشت و اداره آموزش و پرورش شهرستان، جهت تعیین شیوع آلودگی، اقدام به معاینه و مصاحبه مستقیم با دانش آموزان بطور انفرادی گردید. داده‌ها از طریق پرسشنامه و معاینه موی سر از نظر آلودگی به شپش جمع‌آوری گردید. در پرسشنامه سولاتی در زمینه رفتارهای فردی و اطلاعات دموگرافیک (سن دانش آموز، پایه تحصیلی، میزان سواد پدر، میزان سواد مادر، شغل پدر، شغل مادر) طراحی گردیده بود. پرسشگران (رابطین بهداشت مدارس در مراکز بهداشتی درمانی شهرستان جوانرود) برخی اطلاعات را از پرونده بهداشتی دانش آموزان (موجود در دفتر مدارس) یا به کمک مشاهده مستقیم جمع‌آوری کسب نمودند. تشخیص آلودگی بر اساس استاندارد موجود (کتابچه راهنمای مبارزه با شپش در مدارس، منتشره از سوی معاونت سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) وجود تخم زنده، یا بالغ بوده است. موها (خصوصاً در نواحی پشت گوش و بالای گردن) در معرض نور کافی و به مدت حدود ۴ دقیقه بررسی شدند. در نهایت کلیه داده‌ها در نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۶ وارد شدند و با آزمون کای اسکور آنالیز شدند.

یافته‌ها

از میان ۸۶۵ دانش آموز مقطع ابتدایی مورد مطالعه، ۷۲ نفر (۸/۳٪) آلوده به شپش سر بودند سطح تحصیلات پدر دانش آموزان مورد بررسی عبارت بود از: ۱۸۸ نفر (۲۱/۷٪) بی-سواد، ۴۷۱ نفر (۵۴/۵٪) پایین‌تر از دیپلم، ۲۰۶ نفر (۲۳/۸٪) بالاتر از دیپلم بود که از این نظر به ترتیب ۲۱ نفر (۲/۴٪)، ۴۷ نفر (۵/۴٪)، ۴ نفر (۰/۵٪) از دانش آموزان، آلوده به شپش سر بودند ($p=0/001$). میزان سطح تحصیلات مادر در ۳۱۷ نفر (۳۶/۶٪) بی سواد، ۴۹۸ نفر (۵۷/۶٪) پایین‌تر از دیپلم، ۵۰ نفر (۵/۸٪) بالاتر از دیپلم بود که از این نظر به

دانش آموزان دختر قم این میزان را به ترتیب ۲۴/۸ و ۱۳/۳ درصد تعیین کردند (۱۵،۱۲).

جدول شماره ۳: میزان آلودگی به شپش سر در دانش آموزان دخترمدارس ابتدایی بر حسب دفعات استحمام در هفته

دفعات حمام	آلودگی		دارد		ندارد		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
یکبار در هفته	۳۵	۴	۳۲۵	۳۷/۶	۳۶۰	۴۱/۶	
دو بار در هفته	۳۳	۳/۸	۴۵۵	۵۲/۶	۴۸۸	۵۶/۴	
دو هفته یکبار	۴	۰/۵	۱۳	۱/۵	۱۷	۲	
جمع کل	۷۲	۸/۳	۷۹۳	۹۱/۷	۸۶۵	۱۰۰	

همچنین مدرسی میزان آلودگی به شپش سر را در دختران دبستان‌های شهر تنکابن ۵/۷۴ درصد ذکر کرده‌اند (۱۱). مرادی و همکاران در شهرستان بهار همدان میزان آلودگی به شپش سر را در دانش آموزان ۶/۷ درصد اعلام نموده‌اند (۱۳).

موارد مبتلا به آلودگی شپش سر در دانش آموزان پایه‌های پنجم و اول قدری بیشتر از پایه‌های تحصیلی دیگر بود ولی ارتباط معنی داری بین پایه‌ها با آلودگی وجود نداشت. این یافته با نتایج مطالعات رفیع نژاد و همکاران (۱۴) و فرزین نیا و همکاران (۲) هم خوانی ندارد. اما یغمایی در شهر سمنجان نیز به نتیجه مشابهی رسید (۱۶). این موضوع شاید به علت رعایت بهداشت فردی از جانب دانش آموزان همه پایه‌ها باشد و دانش آموزان پایه‌های پایین‌تر نیز نکات بهداشتی لازم در پیشگیری از بیماری‌های واگیر به خوبی رعایت می‌کنند.

با توجه به نتایج این تحقیق، شاغل بودن یا نبودن مادر دانش آموزان، تاثیری روی آلودگی آنها به شپش سر نداشت و سبب کاهش آلودگی نمی‌شد با این وجود، اکثر دانش آموزان آلوده، مادران خانه‌دار داشتند. در تحقیق داوری و رفیع نژاد (۱۷، ۱۴) شغل مادر با میزان آلودگی ارتباط معنی دار داشته است ولی در مطالعه فرزین نیا (۲)، این ارتباط گزارش نشده است. در مطالعه رفیعی و همکاران در شهر اهواز بین آلودگی دانش آموزان و شغل مادر ارتباط معنی دار مشاهده شد مادران

(۶/۲٪) آلوده به شپش سر بودند که ارتباط معنی داری بین میزان آلودگی به شپش سر و موقعیت مدرسه وجود داشت ($p=0/001$).

جدول شماره ۲: میزان آلودگی به شپش سر در دانش آموزان دختر مدارس ابتدایی بر حسب موقعیت مدرسه

موقعیت مدرسه	آلودگی		دارد		ندارد		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
بالای شهر	۱۸	۲/۱	۳۷۲	۴۳/۰	۳۹۰	۴۵/۱	
پایین شهر	۵۴	۶/۲	۴۲۱	۴۸/۷	۴۷۵	۵۴/۹	
جمع کل	۷۲	۸/۳	۷۹۳	۹۱/۷	۸۶۵	۱۰۰	

در دانش آموزان پایه اول ۱۳ نفر (۱/۵٪) پایه دوم ۲۰ نفر (۲/۳٪) پایه سوم ۱۰ نفر (۱/۲٪) پایه چهارم ۱۲ نفر (۱/۴٪) پایه پنجم ۱۷ نفر (۲٪) آلوده بودند که ارتباط معنی داری بین میزان آلودگی به پدیکولوزیس و پایه تحصیلی دانش آموز وجود نداشت ($p=0/178$).

در بین ۷۲ دانش آموز آلوده به شپش تنها ۳ نفر (۰/۳٪) در طی روز موهای خود را شانه نمی‌زدند و ۳۳ نفر (۳/۸٪) یکبار در روز موهای خود را شانه می‌زدند و ۳۶ نفر (۴/۲٪) دوبار و بیشتر موهای خود را شانه می‌زدند که بین میزان آلودگی و دفعات شانه زدن ارتباط معنی داری وجود نداشت ($p=0/547$).

بر اساس جدول شماره ۳ در مطالعه حاضر دانش آموزان آلوده دفعات استحمام کمتری نسبت به دانش آموزان غیر آلوده داشته و ارتباط معنی داری بین میزان آلودگی به پدیکولوزیس و دفعات استحمام وجود داشت ($p=0/022$).

بحث

در پژوهش حاضر میزان شیوع آلودگی با شپش سر در دانش آموزان ۸/۳ درصد بود. عیوضی در مطالعه شیوع شپش سر در مدارس ابتدایی دخترانه شهر گیلان غرب، و نوروزی در بین

کارمند دارای فرزند آلوده کمتری نسبت به سایر مشاغل بودند (۱۸) (۵/۹٪).

با توجه به نتایج این تحقیق، میزان آلودگی به شپش سر با شغل پدر ارتباط معنی دار داشت و بیشترین نسبت آلودگی در پدران با شغل آزاد بود و کمترین نسبت آلودگی در پدران کارمند بود، که این تفاوت از لحاظ آماری معنی دار بود. همچنین محمد مطلبی و همکارش در گناباد به نتایج مشابهی دست یافتند (۱۸) اما در مطالعه بابک فرزین نیا در قم نتایج متضادی مشاهده شد (۲). دلیل این امر را می‌توان در پایین بودن سطح تحصیلات، فرهنگ و تأمین نسبی سطح اقتصادی-اجتماعی خانواده دانست.

با توجه به نتایج تحقیق حاضر، شیوع آلودگی به شپش سر با سطح تحصیلات والدین رابطه معکوس و معنی دار داشت و بیشترین درصد دانش آموزان آلوده، دارای والدین بی سواد و یا زیردیپلم بوده‌اند که نشان از تاثیر تحصیلات بالاتر روی کاهش شیوع شپش سر دارد. در مطالعات داوری و رفیع نژاد و عباس‌زاده (۱۴، ۱۷، ۱۹) نیز نتایج مشابهی به دست آمد.

سطح آگاهی والدین در پیشگیری و درمان سریع آلودگی موثر می باشد. بالا بودن میزان تحصیلات والدین و آگاهی سبب توجه بیشتر به مشکلات بهداشتی خانواده و ارائه راه حل مناسب جهت رفع آنها می‌گردد. در بررسی حاضر نیز آلودگی به شپش سر بیشتر در دانش آموزان با والدین دارای تحصیلات کمتر دیده شد به طوری که ۵۲/۷٪ دانش آموزان آلوده دارای مادران بی سواد بودند. در مطالعات مرادی و همکاران در همدان (۱۳) و رفیعی در اهواز (۱) نتایج مشابهی استخراج شد. در مطالعه رفیعی و همکاران دلیل این امر بالا بودن سطح اقتصادی، فرهنگی و آگاهی خانواده که باعث اقدامات موثر در پیشگیری و درمان سریع آلودگی می‌شود، گزارش شد (۱). بنابراین باید در جهت آموزش خانوارهای دارای مادران بیسواد و کم سواد اهتمام بیشتری داشت

از نظر موقعیت مدرسه بیشترین آلودگی در دانش آموزان مدارس پایین شهر بود. به نظر می‌رسد هر اندازه جمعیت خانوارها زیاد باشد والدین کمتر می‌توانند به وضع بهداشتی و درمانی آنها رسیدگی کنند در نتیجه انتظار می‌رود در خانواده‌های پرجمعیت تماس نزدیک بین افراد و به تبع آن میزان آلودگی بیشتر باشد. نتایج به دست آمده در این پژوهش در خصوص رابطه بین بعد خانوار و آلودگی به شپش سر با مطالعات دیگر همخوانی نداشت چرا که رفیع نژاد (۱۴) و غلامی (۱۷) رابطه معنی داری بین بعد خانوار و آلودگی به شپش سر را در مطالعه خود گزارش کردند ولی در مطالعه حاضر رابطه معنی داری بین بعد خانوار و آلودگی به شپش سر مشاهده نشد.

در مطالعه حاضر نیز مبتلایان به پدیکلوزیس دفعات استحمام کمتری نسبت به غیر مبتلایان داشته‌اند و با کاهش دفعات استحمام میزان آلودگی افزایش می‌یافت. بطور کلی هر چه وضعیت بهداشتی فرد بهتر باشد، آلودگی کمتر خواهد بود، لذا استحمام مرتب می‌تواند باعث عدم ابتلا و حتی الامکان کاهش آلودگی شود این نتیجه تاییدی بر یافته‌های سایر محققین می‌باشد. کثیری، رفیع نژاد و همکاران، نوروزی در مطالعات خود به نتایج مثبت استحمام مرتب در کاهش آلودگی اشاره نموده‌اند (۱۲، ۱۴، ۱۹).

هر چند به نظر می‌رسد شانه زدن مرتب و روزانه موها باعث جدا شدن رشک‌های احتمالی و کاهش آلودگی شود. با توجه به اینکه شپش‌های سر به موها چسبیده و مواد آلرژی‌زایی از خود ترشح می‌کنند، آلودگی به این بیماری با خارش سر توام خواهد شد. انتظار می‌رود افرادی که کمتر اقدام به شانه‌زنی موهای خود می‌کنند به دلیل درهم پیچیدگی بیش از حد موها و احتمال استقرار انگل بر روی سر بیشتر در معرض ابتلا باشند. اما در این مطالعه بین شیوع موارد آلودگی و دفعات شانه زدن موی سر ارتباط معنی داری مشاهده نشد.

در این مطالعه حضور مری بهداشت در مدرسه با آلودگی به شپش سر ارتباط معنی داری داشت. آذر رفیعی در اهواز (۱) و نوروزی (۱۲) به نتایج مشابهی دست یافته‌اند. با توجه به آنکه محیط مدرسه، شلوغ و پر ازدحام می‌باشد و تماس‌های دانش آموزان زیاد است، لذا پیشنهاد می‌شود جهت پیشگیری و کنترل آلودگی، کارشناسان مراکز بهداشتی به معلمین، دانش آموزان و والدین آموزش‌های لازم را ارائه نموده تا بدین وسیله میزان آلودگی به پدیکولوزیس کاهش یابد.

نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های این مطالعه، عواملی نظیر، تحصیلات والدین، دفعات استحمام، موقعیت مدارس و دسترسی به خدمات بهداشتی در شیوع بیماری در مدارس ابتدایی دخترانه در شهرستان جواهرود نقش بسزایی داشته است.

تقدیر و تشکر

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از همکاری مسئولین مدارس ابتدایی، که بسیار علاقه مند و پیگیر بوده و نیز اداره آموزش و پرورش شهرستان جواهرود، صمیمانه سپاسگزاری و تقدیر نمایند.

References

1. Rafie A, Kasiri H, Mohammadi Z, Haghighizade M. Pediculosis capitis and its associated factors in girl primary school children in Ahvaz City in 2005-2006. *Iranian Journal of Infectious Diseases and Tropical Medicine* 2009; 45:41-45. [In Persian]
2. Farzinnia B, Hanafi Bojd A, Reis Karami S, Jafari T. Epidemiology of Pediculosis capitis in female primary school pupils Qom. *Hormozgan Med J* 2004; 8(2): 103-8. [In Persian]
3. Chung RN, Scott FE, Underwood JE, Zavarella KJ. A review of the epidemiology, public health importance, treatment and control of head lice. *Can J Public Health* 1991 ; 82(3): 196-200.
4. Chung RN, Scott FE, Underwood JE, Zavarella KJ. A pilot study to investigate transmission of headlice. *Can J Public Health*. 1991; 82(3): 207-8.
5. Canyon DV, Speare R, Muller R. Spatial and kinetic factors for the transfer of head lice (*Pediculus capitis*) between hairs. *J Invest Dermatol* 2002; 119(3): 629-31.
6. Borges R, Mendes J. Epidemiological aspects of head lice in children attending day care centers, urban and rural schools in Uberlandia, central Brazil. *Mem Inst Oswaldo Cruz* 2002; 97(2): 189-92.
7. Courtiade C, Labreze C, Fontan I, Taieb A, Maleville J. Pediculosis capitis: a questionnaire survey in 4 schools of the Bordeaux Academy 1990-1991. *Ann Dermatol Venereol* 1993; 120 (5): 363-8.
8. Razavi M. Epidemiology of pediculus humanus capitis infestation and effective factors in elementary schools of girls, villages of Islam Abad district in Tehran city, 2nd Congress of Parasites diseases in Iran. 1995. [In Persian]
9. Kasiri H. Epidemiology of pediculus humanus capitis infestation and effective factors in elementary schools of girls Ahvaz city, 2005. *Iran J Infect Dis Trop Med* 2009; 14(2): 41-5.
10. Hodjati MH, Mousavi N, Mousavi M. Head lice infestation in school children of a low socio-economy area of Tabriz city, Iran. *Afr J Biotechnol* 2008; 7(13): 2292-4. [In Persian]
11. Modaresi M, Ghiasi M, Marefat A. Prevalence of head louse between Tonekabon primary school. (Journal of infected and tropical disease related to infected and tropical disease meeting). 2013;18(60): 41-45. [In Persian]
12. Noroozi M, Saghafipour A, Akbari A, Khajat P, Khadem Maboodi A. The prevalence of pediculosis capitis and its associated risk factors in primary schools of girls in rural district. *J Shahrekord Univ Med Sci* 2013; 15(2):43-52
13. Amirkhani, M. Aminae T, Dashti M, Eslami M. Guide of prevention and cure of implication to louse for adults and teenagers. Tehran central publication 2004:7-8
14. Rafinejad J, Nourollahi A, Javadian E, Kazemnejad A, Shemshad K. Epidemiology of Head Louse Infestation and Related Factors in School Children in the County of Amlash, Gilan Province, 2003-2004. *Iran J Epidemiol*. 2006; 2 (3-4) :51-63. [In Persian]
15. Aivazi AA. Epidemiology of Pediculus humanus capitis infestation and effective factors in elementary schools of children, Islam Abad city, Kermanshah province. *Journal of Tehran: Tarbiat Modarres University*, 1986

16. Yaghmaie R, Rad F, Ghaderi A. Prevalence of head lice infestation in girl primary school children in Sanandaj in 2004. Iranian Journal of Infectious Diseases and Tropical Medicine 2006; 12: 71-74.
17. Davari B, Yaghmaie R. Prevalence of head lice and its related factors in the primary school children in sanandaj city. J kurdistan Univ Med Sci 2005; 10: 39- 54. [In Persian]
18. Matlabi M, Minooeian Haghighi MH. Epidemiology of Pediculus humanus capitis infestation and effective factors in elementary schools of children, Gonabad city. J Gonabad Univ Med Sci. 2010; 6(1): 10-17. [In Persian]
19. Abbas-zadeh M, Masinaee-Nejad N, Dabirzadeh M, Heidari M. Epidemiology of head lice infestation among girl primary school children in Zabol (2003). The journal of Toloo-e-behdasht 2004; 3: 10-15. [In Persian]

The Study of the Prevalence and risk factors associated with head lice in school girls in Javanrood

Geravandi A¹, Jamshidi G², Abdollahi F³, Sepahi S⁴, Geravandi M⁵

1. MSc in health promotion and health education, health education experts and Department of Health, Kermanshah, University of Medical Sciences and Health Services, Kermanshah, Iran
2. Education and health promotion experts, Javanrood, Kermanshah, Iran
3. Public health expert Javanrood, Kermanshah, Iran
4. MSc in Medical Education, Expert of Health Education and Health Promotion Department of Health, University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran
5. Saadi school Manager, Education Organization, Kermanshah, Iran.

Abstract

Background & Aim: Lice infestation is a social problem affecting many human societies, and one of the health problems that are common in schools. This study aimed to determine the prevalence of head lice and its related factors among elementary school students of Javanrood city in 2011.

Materials and Methods: This study was a cross-sectional study. All of the elementary school girls in Javanrood which resulted in a sample of 865 students studying in different areas of the city were studied. Based on the position (North- South) the samples were divided into categories and in each category 2 schools were selected randomly. The schools, classes and individuals were also selected at random. Data was collected using a full examination and the filling of the checklist for students to be accepted. Data were analyzed using chi-square test.

Results: Of the students surveyed, 72 (8.3%) were infected with head lice. Infection rate in Pediculosis and mother's education ($p=0.006$) and father's education ($p=0.001$) there was a significant correlation. Also, significant correlation was found between the prevalence of father and job Pediculosis ($p=0.006$), but no significant correlation was found between the prevalence of maternal job and Pediculosis ($p=0.678$). Pediculosis infection rate and frequency of bathing had a significant correlation ($p=0.022$).

Conclusion: The prevalence among students was relevant to factors such as frequency of bathing, parental education, parental occupation, location, school, lack of attention to personal hygiene and other factors.

Key words: Head louse, Pediculosis, Effective factor, Primary school students